

پدیدارشناسی عوامل موثر بر تحولات مسکن معیشت محور روستایی
(نمونه مطالعاتی: روستای شهید محمد بروجردی شهرستان بروجرد)

۱- فرزاد کرمی، دکتری تخصصی برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده
مسئول، karamifarzad22@gmail.com، ۰۹۱۶۹۶۳۸۵۹۴

1- Farzad Karami, PhD in Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences and Planning, University of
۰۹۱۶۹۶۳۸۵۹۴, karamifarzad22@gmail.com, Isfahan, Isfahan, Iran, Corresponding Author

۲- مجید سعیدی راد، دکتری تخصصی برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، m_saeidirad@sbu.ac.ir

2- Majid Saeedi Rad, PhD in Rural Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran, m_saeidirad@sbu.ac.ir

۳- سکینه کرماشاهی، دکتری تخصصی برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

۰۹۱۸۲۵۹۴۹۵۶, s.k.geography88@gmail.com

3- Sakineh Karamshahi, PhD in Rural Planning, Faculty of Geographical Sciences and Planning,

۰۹۱۸۲۵۹۴۹۵۶ University of Isfahan, Isfahan, Iran, s.k.geography88@gmail.com,

۴- زهرا زمانی چاکلی، کارشناسی ارشد برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، z.zamani92@gmail.com

4- Zahra Zamani Chakli, Master of Rural Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

z.zamani92@gmail.com,

چکیده

مسکن روستایی به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی پیرامون خویش، نشان‌دهنده نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی- فرهنگی روستاییان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است. به عبارت دیگر پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و کالبدی است که برای فراهم کردن شرایط مناسب زیست، زندگی و معیشت برپا شده است. از مهمترین مؤلفه‌هایی که طی سال‌های اخیر طی تحولات مرتبط با مسکن دچار تغییر شده است، مؤلفه‌های معیشت محور مسکن در نواحی روستایی است، تغییر از مسکن معیشت- محور به مسکن روستایی که صرفاً دارای کارکرد سکونتی است، دارای اثرات منفی بر روی اقتصاد روستایی است؛ لذا تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی و پدیدارشناسی تفسیری به تحلیل عوامل موثر بر تحولات مسکن معیشت محور در روستای شهید محمد بروجردی شهرستان بروجرد پرداخته است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی- تحلیلی است. به لحاظ گردآوری داده‌ها، از نوع ترکیبی بوده و بنیان فلسفی آن مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی است. از آنجا که پژوهش حاضر، از نوع کیفی میدانی است؛ از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشباع نظری ادامه داشته است. در

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نقش مسکن معیشت محور در تثبیت جمعیت روستایی و زمینه سازی برگشت مهاجران است که با حمایت مالی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در مهندسان مشاور طرح و منظر تهران به اجرا درآمده است.

این پژوهش، پس از 1 مصاحبه عمیق (۳ زن و ۶ مرد) و ۲ مصاحبه گروهی (۱ مصاحبه گروهی با دهیار و اعضای شورای اسلامی روستا و ۱ جلسه بحث گروهی با مردم محلی) اشباع نظری حاصل شد. پنج درون مایه اصلی «سوانح و مخاطرات طبیعی»، «مهاجرت‌های روستایی- شهری»، «عوامل نهادی- مدیریتی»، «شهرداری» و «تغییر در نوع معیشت و سبک زندگی» از مهم‌ترین عوامل موثر بر تحولات مسکن معیشت محور در محدوده مورد مطالعه است.

واژه‌های کلیدی: مسکن معیشت محور، پدیدارشناسی، روستای شهید بروجردی، تحولات ساختاری-کارکردی.

۱- مقدمه و بیان مسئله

مسکن روستایی نه تنها جزئی از بافت و کالبد روستا بلکه عنصری از عناصر زنجیره تولید و عرضه محصول و بخشی جدایی ناپذیر از فعالیت و اقتصاد روستا بوده است. بنابراین مکانیابی، شکل کلی مسکن و بافت روستا رابطه تنگاتنگی با نوع معیشت و شکل تولید و منابع اقتصادی آن دارد (زرگر، ۱۳۹۰: ۱۰۱). از سوی دیگر مسکن به عنوان یک پدیده تغییر و تحولات آن تابع بسترهای زمانی، مکانی و وابسته به تاریخ و گذشته خود است. در فضای مسکن روستایی بیشتر عناصر فضایی علاوه بر کارکردی خاص، کارکردهای مکمل با دیگر عناصر را نیز عهده دار می باشند؛ بطوری که گاهی هویت و بقای آنها در ارتباط با کارکرد کلی مجموعه معنا پیدا می نماید. وضوح و اهمیت نقش مسکن در روستاها هنگامی نمود عینی تری می یابد که به نقش غالب آن در مجموعه عناصر تشکیل دهنده بافت‌های روستایی توجه شود. هر گاه این فرآیند از فرایند شدن و تحولات منطقی و زمانی و مکانی خود خارج شود، نظم و انتظام گذشته خود را از دست داده و دچار نوعی آشفتگی در کارکرد و عملکرد می‌شود (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سعیدی و امینی، ۱۳۸۹؛ قاسمی و کلانتری، ۱۴۰۱). این آشفتگی می‌تواند ناشی از عوامل مداخله‌گر انسانی و تغییرات فرد و زندگی او باشد و یا می‌تواند در سویه دیگر، ناشی از دگرگونی‌های وارده بر محیط و ساختارهای شکل گرفته در گذشته باشد. در هر صورت مدرنیسم و مدرنیزاسیون در هم می‌آمیزد و انسان امروزی شده و خود را امروزی دانسته، طرح مدرنیزاسیون را برای مسکن روستایی غرق در سنت می‌پذیرد و یا بر آن‌ها تحمیل می‌کند (Taghavi, 2021). در این فراشد و تولید دگرگونه مسکن، آنچه از گذشته است سنتی تلقی شده و مستحق «دود شدن و هوا رفتن» است. در این دود شدن و هوا شدن، فرآیندهای مبتنی بر کارکرد و عملکرد مسکن و نقش ساختاری آن در پیوند با فعالیت و معیشت دچار تغییر اساسی می‌شود. مسکن امروزی محل زیست می‌شود و نمود مسکن شهری بدون رعایت بعد زمانی و مکانی قالبی استاندارد شده برای روستا تلقی می‌شود. زیست از فعالیت سنتی فاصله می‌گیرد و نقش خود را در شکل دهی به زنجیره تولید و عرضه محصول از دست می‌دهد. شکل و ماهیت شغل و فعالیت تغییر کرده و بر آن رنگ و رخسار دیگری می‌دهد. شغل خانگی الزام خود را در پیوند با فعالیت بیرونی از دست داده و در تلاش برای امروزی شدن با فعالیت سنتی روستا سر ناسازگاری پیدا می‌کند. بدین ترتیب در فرآیند نوگرایی و نوسازی شغل‌های سنتی مورد اقبال افراد خانوار قرار نمی‌گیرد. در فرایند نوگرایی فعالیت مشاغل خانگی نیز تحت تاثیر نوگرایی خانوار یا نوسازی تحمیل شده دچار استحاله می‌شود. به هر حال شغل با ماهیت سنتی یا امروزی آن در خانه و مسکن روستایی فضا و کالبد را دگرگون کرده و پدیده جدیدی را به وجود می‌آورد. این پدیده جدید را نمی‌توان از معیشت

محوری خالی دانست، بلکه بازتولید و برساخت دیگری از فعالیت و معیشت به شکل مدرن شده آن است (قاسمی و کلانتری، ۱۴۰۱). بررسی این فرآیندها و تغییر و تحول پیش فرض نیازمند مطالعه مصادیق عملی و اجرایی آن در نقاط مختلف روستایی کشور است و مطالعه اثرگذاری این تحول در معیشت و فعالیت در خانوار روستایی در حفظ، تثبیت و یا جذب جمعیت در روستا برای پاسخ به این موضوع اهمیت پیدا می‌کند. در روستای شهید محمد بروجردی یکی از مهم‌ترین و موثرترین مولفه‌های پایگاه‌های اجتماعی و فرهنگی هر خانواده، مسکن معیشت محور می‌باشد که نقش مهمی در تأمین آسایش و امنیت و وضعیت اقتصادی هر خانواده دارد. وجود مسکن معیشت محور باعث تقویت ابزارهای تولیدی و حفظ دانش بومی در نواحی روستایی می‌شود. مسکن روستایی به عنوان عنصری مادی و فرهنگی، علاوه بر پاسخگویی به نیاز سکونت و تأمین امنیت و حریم خانوار، حلقه‌ای از نظام تولیدی روستا را نیز در بر می‌گیرد و به گونه‌ای متقابل به آن پیوند می‌خورد. بر این اساس عوامل متعددی بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی تاثیر گذار می‌باشند که شناخت و تحلیل آنها در برنامه‌ریزی آتی مسکن روستایی مفید و موثر خواهد بود. در این بررسی تلاش شده است با نظرسنجی و جمع‌آوری اطلاعات میدانی و مصاحبه به این موضوع پرداخته شود که وضعیت مسکن در روستا چگونه است و در این گونه‌های مسکن ارتباط معیشت با زیست و سکونت چگونه برقرار شده و در نهایت چه عواملی باعث تغییر و تحولات مسکن معیشت محور در روستای شهید بروجردی شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در جدول ۱ پژوهش‌هایی که تا حدودی با ادبیات تحقیق حاضر همسوتر هستند، آورده شده است.

جدول ۱. پیشینه تحقیق در مورد مسکن معیشت محور

محقق/سال	عنوان پژوهش	نتایج پژوهش
تقوی و همکاران؛ ۲۰۲۱	بازتاب تحولات اقتصادی بر نظام معیشت و فعالیت فضایی مسکن روستایی	نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت تولیدی روستاها ايجاب می‌کند که تصمیم سازان برای ایجاد شرایط لازم برای ادامه فعالیت های زیستی و معیشتی، احیای آنچه در زندگی، کالبد و مسکن روستایی نهفته است، تلاش کنند. در این میان معماران می‌توانند الگوهای معماری و طراحی بومی و سنتی را به زبان امروزی به کار گیرند و متناسب با نوع معیشت روستاییان - سبک زندگی روستایی - از فناوری جدید استفاده کنند و از این طریق سنت و مدرنیته را با یکدیگر ترکیب نمایند.
فاتیا؛ ۲۰۱۹	خانه های روستایی بنگلادش: تجلی فرهنگ و اقلیم	نتایج این مطالعه نشان دهنده ی توانایی مردم از زندگی همگام با طبیعت و بهبود وضعیت مسکن خود برای کار و فعالیت های اقتصادی با حداقل مداخلات از دیدگاه فنی است.
منلوسا و همکاران؛ ۲۰۱۹	راهبردهای معیشتی، دارایی‌های سرمایه و امنیت غذایی در روستاهای جنوب غربی	نویسندگان در این مقاله بر بررسی نقش سرمایه‌های معیشتی در افزایش امنیت غذایی روستاهای جنوب غربی اتیوپی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق

² -Taghavi., et al

³ - Fatiha

⁴ -Manlosa, Aisa O., et al

نشان می‌دهد، باید در سیاست‌های غالب و رایج در زمینه افزایش امنیت غذایی تجدیدنظر کرد و به جای تمرکز بر افزایش بهره‌وری و تجاری‌سازی بر دارایی‌ها و سرمایه‌های معیشتی تأکید کرد.	اتیوپی
یافته‌های اصلی این مطالعه نشان می‌دهد که جامعه روستایی آفریقای جنوبی به طور مداوم با چالش‌های فقر و بیکاری، همراه با دسترسی محدود به خدمات اساسی مواجه است. یافته‌ها این پژوهش ثابت می‌کند که در زمینه ی سیاست های مسکن روستایی در این کشور، فشاری برای اتخاذ سیاستی وجود دارد که با مسائل اجتماعی-اقتصادی به شیوه‌ای جامع برخورد کند. این امر در صورتی امکان‌پذیر می‌شود که سیاست و اجرا در هنگام ارائه توسعه پایدار، یکپارچگی را در اولویت قرار دهد. توصیه‌های کلیدی این مطالعه بر این نکته تأکید می‌کند که چگونه تحویل مسکن باید رویکردهای مردم محور را برای دستیابی به اثرات پایدار اجتماعی-اقتصادی اتخاذ کند.	تأثیر سیاست مسکن روستایی بر وضعیت انگکوبو، ۲۰۱۸ اجتماعی-اقتصادی خانوارها: مطالعه موردی پروژه مسکن روستایی وولیندلا^۶
روند دگرگونیهای اجتماعی-اقتصادی و تحرک و جا به جایی روزافزون گروههای انسانی، به روندهای پایداری/ناپایداری و دگرگونیهای کالبدی-فضائی سکونتگاههای روستائی منجر شده است. در این ارتباط، جابه جایی روستائی-شهری و رهاماندن برخی واحدها در روستاها، موجب تحول کارکردی در بهره گیری از فضاهای درونی خانه‌ها شده است.	سعیدی و امینی، ۱۳۸۹ ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی
با توجه به ترغیب شهرگرایی و فقدان توجه لازم به ارتباط بین ساختار و کارکردهای خانه‌های روستایی، این دگرگونیها در پاره ای موارد زمینه ساز ایجاد نوعی دوگانگی بین مسکن و فعالیتهای بنیادین خانوارهای روستایی شده است. این مقاله می‌کوشد، دگرگونی های حاصل از فعالیتهای نوسازی (و بهسازی) در عرصه مسکن روستایی را در چارچوب قانونمندی عام رویکرد «پوشش ساختاری-کارکردی» مورد تدقیق قرار دهد. این قانونمندی حاکی از این واقعیت آشکار است که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیتهای و روابط را هم فراهم می‌آورد.	سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲ نوسازی مسکن و و دگرگونی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهاى شهرستان ایجرود (استان زنجان)
نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در اثر نفوذ فرهنگ شهری، بهبود سرمایه انسانی، تسلط الگوی فضا‌بندی زیستی و رفاه‌طلبی، شیوه سکونت در مناطق روستایی تغییر یافته و به شیوه‌ای شبه شهری تبدیل شده است که شیوه سکونت در ابعاد اجتماعی-اقتصادی و کالبدی در نواحی روستایی ظاهر شده است.	قاسمی سیانی و همکاران، ۱۳۹۷ تبیین تحولات ساختاری-کارکردی سکونت و مسکن روستایی مطالعه موردی بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان
با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که کارکرد مسکن در سکونتگاه‌های روستایی دهستان معجزات شهرستان معجزات به سمت	اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸ تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی

⁵ - Ngcobo

⁶ - Vulindlela

(مطالعه موردی: دهستان معجزات،

شهرستان زنجان)

"خوابگاهی" در حال تحول می‌باشد که ادامه این روند که متأثر از جایگاه ضعیف اقتصاد روستایی است، در آینده باعث کاهش سطح تولیدات خواهد شد.

قاسمی و کلانتری، ۱۴۰۱

نقش مسکن معیشت محور در تثبیت
جمعیت روستایی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در بین عوامل مختلفی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تثبیت جمعیت روستایی نقش دارند، مسکن معیشت محور با ضریب تاثیر بالاتری، متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. در حالی که آمارها و اطلاعات نشان دهنده کاهش این گونه از مسکن در روستاها می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با اصلاح فرایندها و رویه‌های موجود و ایجاد هماهنگی و حمایت از این گونه مسکن، برای توسعه مسکن معیشت محور در روستاها اقدام شود.

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

روش شناسی تحقیق

در این مقاله از پژوهش کیفی و روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شده است. پدیدارشناسی به عنوان روش شناسی علمی متکی بر دیدگاه فلسفی پدیدارشناسی است. «جایگاه فلسفی پدیدارشناسی به دیدگاه فلسفی ادموند هوسرل (۱۸۵۹-۱۹۳۸) در اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد که درصدد پاسخ به این سوال اساسی بود که اشیا، کنش‌ها و رویدادها چگونه در آگاهی کنشگر ظهور می‌یابند. در پاسخ به این پرسش محوری، پدیدارشناسی به عنصر اساسی تجربه در زندگی روزمره مردم توجه دارد. لذا تجربه، نقطه‌ی مرکزی پدیدارشناسی قرار گرفت (Delmas & Giles, 2023; Giorgi, 2003; Orleans, 2015;). «بنابراین این تجارب از فضا و مکانی که در آن زندگی می‌کنیم به وجود می‌آیند و آگاهی‌های جغرافیایی ما را که همان مبنای پدیدارشناختی علم جغرافیا است، شکل می‌دهند» (تبریزی، ۱۳۹۰: ۵).

این مقاله در صدد است تا با اتخاذ رویکرد از درون، به بازسازی تفسیری و شناخت و آگاهی مردم محدوده‌ی مورد مطالعه از تغییر و تحولات مسکن معیشت محور در روستا (پس از اصلاحات ارضی) بپردازد. پدیدارشناسی تفسیری، یک رویکرد کیفی است که بر درک و تفسیر تجربیات زیسته افراد تمرکز دارد. این رویکرد بر این اساس استوار است که واقعیت امری ذهنی و شخصی است و هر فرد از طریق تجربه‌های خود، معنای خاصی را به جهان می‌بخشد. هدف پدیدارشناسی تفسیری، کشف این معانی و درک چگونگی شکل‌گیری آنهاست. در این تحقیق از فنون و تکنیک‌های مصاحبه‌های نیمه‌باز و عمیق و تاریخ شفاهی استفاده و سعی شد بررسی پدیدارهای جغرافیایی در محیط طبیعی خود و آن‌طور که رخ می‌دهند مطالعه شود چون در «روش تفسیرگرایی اجتماعی، درک جهان اجتماعی از نظر سوژه‌های مورد بررسی و معانی و مفاهیمی که آنها به دنیای اجتماعی و واقعیات برساخته خود می‌بخشند به دست می‌آید» (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۱). از آنجا که پژوهش حاضر، از نوع کیفی میدانی است؛ از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است و انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشباع نظری داده ادامه داشته است. داده‌های پژوهش از طریق یک مصاحبه عمیق (۳ زن و ۶ مرد) و دو مصاحبه گروهی (۱ مصاحبه گروهی با دهیار و اعضای شورای اسلامی روستا و ۱ جلسه بحث گروهی با مردم محلی) حاصل شد.

در واقع ابزار اصلی پژوهش، مصاحبه می باشد. با کدگذاری این مصاحبه ها، به تحلیل هریک از آنها پرداخته شد. واحد تحلیل روستائیان می باشند. شیوه نمونه گیری را هدف یک تحقیق مشخص می کند و اگر هدف تعمیم یافته های پژوهش به جامعه ای بزرگتر باشد، که نمونه از آن انتخاب شده است، از روش های کمی و اگر هدف فهم یک پدیده در میان جامعه ای باشد، از روش های کیفی استفاده می شود و از آنجا که نگارندگان در این پژوهش به دنبال پدیدارشناسی عوامل موثر بر تحولات مسکن معیشت محور در داخل محیط روستا می باشند، با روش کیفی و با نمونه گیری هدفمند از میان روستائیان نمونه گیری انجام شد.

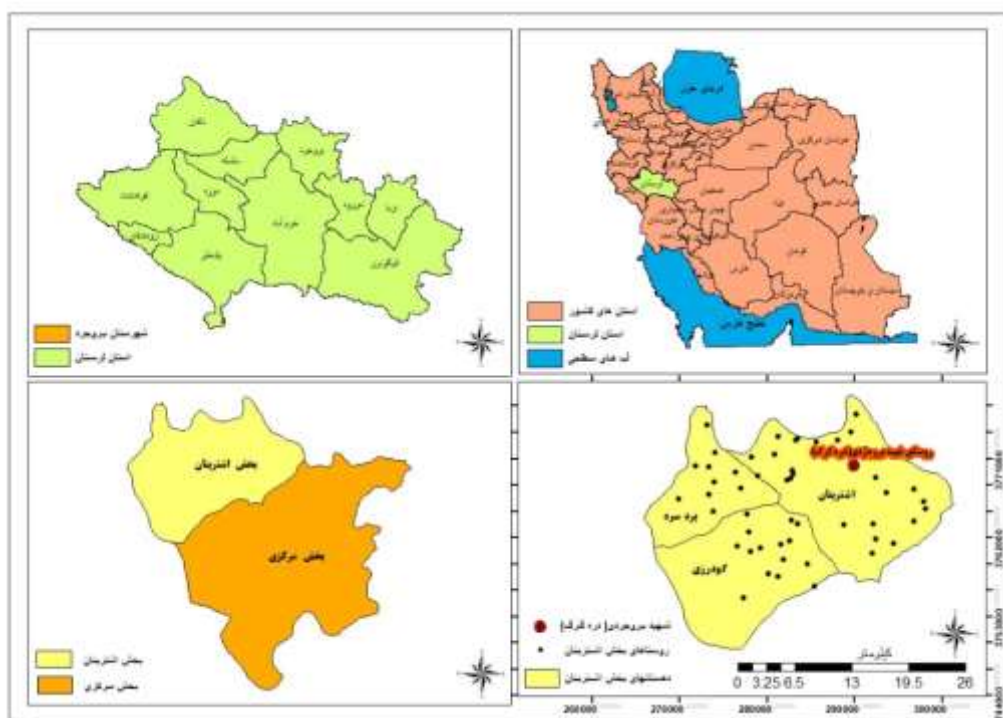
شکل شماره ۵- جلسات و بحث گروهی با مردم روستا



ماخذ: نگارندگان

روستای شهید بروجردی (دره گرگ) در استان لرستان شهرستان بروجرد بخش اشترینان دهستان اشترینان و در فاصله ۱۷ کیلومتری از مرکز شهرستان و ۹ کیلومتری از مرکز بخش و به مختصات ۴۳ ۴۸ طول جغرافیایی و ۳۴ ۳۴ عرض جغرافیایی قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۵ جمعیت روستا ۱۲۰۰ نفر بوده و بر اساس آخرین اطلاعات دهیار و مرکز بهداشت در سال ۱۳۹۹ جمعیت روستا به ۱۳۵۰ نفر و ۴۳۰ خانوار رسیده است. از لحاظ اقلیمی بروجرد دارای آب و هوای معتدل کوهستانی با تابستان های معتدل و زمستان های سرد است. این روستا همانند شهرستان، در گروه ۲ پهنه بندی اقلیمی کشور قرار دارد و از نظر وضعیت طبیعی کوهستانی و یا دره ای محسوب می شود. با توجه به اطلاعات جمعیتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ این روستا از نظر وضعیت طبیعی دشت محسوب می شود. راه زمینی دسترسی به روستا راه آسفalte می باشد و نوع سکونت در این روستا به صورت دائمی و در تمام فصول سال دارای جمعیت است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و مطالعات میدانی، ۱۳۹۹). نام قدیمی این روستا که زادگاه شهید بروجردی (مسیح کردستان) است دره گرگ بوده است که به دلیل احترام و پاسداشت این شهید به روستای شهید بروجردی تغییر کرده است.

شکل ۴- نقشه موقعیت جغرافیایی روستای شهید محمد بروجردی

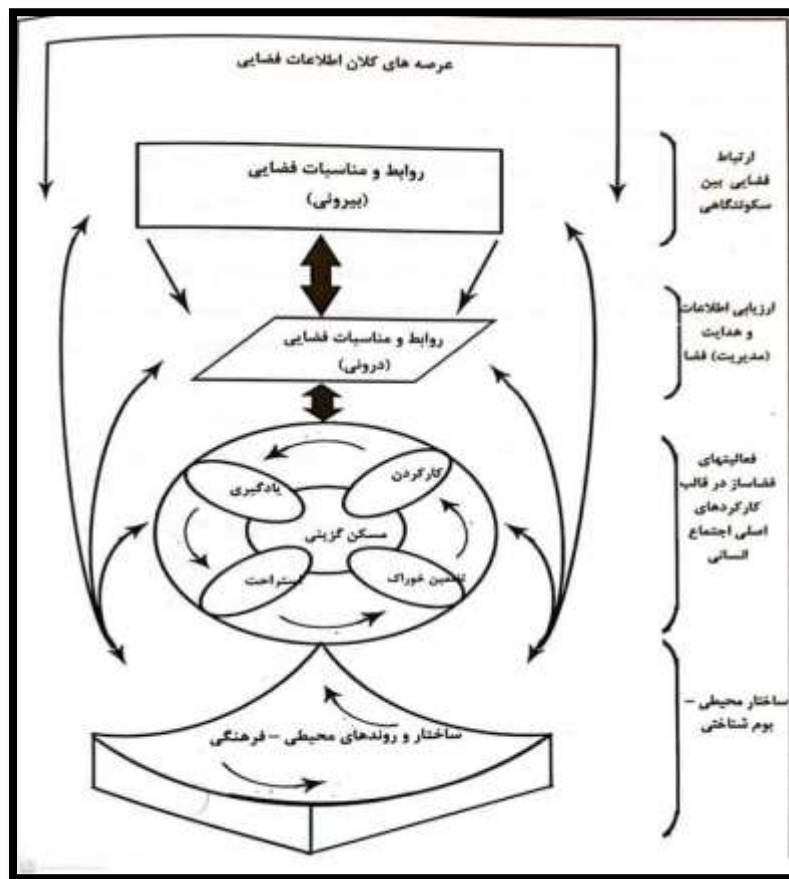


ماخذ: داده‌های پژوهش

۳- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

عوامل و نیروهای گوناگون در مکان‌گزینی و شکل‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی دخالت دارند که قاعداً باید در هرگونه مکان‌یابی سکونتگاه‌ها مدنظر قرار گیرد. اگرچه نحوه اثرگذاری این عوامل و نیروها بیش از هر چیز به ویژگی‌ها زیربنایی بستر محیطی و ساخت‌های بوم‌شناختی بستگی دارد، اما محرک اصلی در این فرایند، مجموع انگیزه‌هایی است برای پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی و صورت تقاضاهای بنیادی به صورت مختلف در میان گروه‌های انسانی بروز می‌یابد. از این‌رو، شکل‌پذیری متفاوت و مکان‌گزینی متنوع و نهایتاً مکان‌یابی سکونتگاه‌های انسانی در نتیجه اثربخشی نحوه عینیت‌یابی این انگیزه‌ها، به شکل‌های متفاوتی تحقق می‌پذیرد و در نتیجه سکونتگاه‌ها از یک ناحیه به یک ناحیه دیگر، هم از نظر ساختاری و هم از نظر کارکردی به شکل متفاوتی پدیدار می‌گردند (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۲۶۹). بر این اساس مهم‌ترین، کارکردهای اساسی منبعث از نیازهای بنیادی افراد و گروه‌های انسانی را به این شرح می‌توان مطرح ساخت؛ ۱- مسکن‌گزینی ۲- کار کردن و فعالیت ۳- ب- رقراری ارتباط با دیگران ۴- آموزش و یادگیری ۵- استراحت و گذراندن اوقات فراغت ۶- زندگی جمعی و تولید مثل ۷- حرکت و آمدوشد (شکل ۱).

شکل ۳- جایگاه مسکن گزینی در شالوده مطالعه روابط ساختاری- عملکردی نظام فضایی سکونتگاه‌ها



مأخذ: سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸

با توجه به مطالب فوق مسکن یا خانه روستایی^۷ محل زندگی افراد و خانوارهای روستایی به صورت تک خانواری یا چند خانوار در زیر سقف مشترک و بهره‌گیری از امکانات و فضاهای موجود به صورت اختصاصی و با جمعی است. مسکن روستایی به طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی- معیشتی گروه‌های روستایی بشمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی- فضایی، به مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا، این نکته به‌ویژه در عرصه‌هایی که هنوز پیوندها و بستگی‌های خود را با محیط طبیعی نگسته‌اند و حرکت و فعالیت خود را به‌طور نسبی در سازگاری و هم‌نوایی با عوامل و نیروهای محیط طبیعی جستجو می‌کنند، بیشتر صادق است. درجه رشد فرهنگی- اعم از فرهنگ مادی و معنوی تعیین‌کننده نوع مسکن خانوارها و گروه‌های روستایی است. در عرصه‌های مختلف مکانی- فضایی، عوامل گوناگونی موجب ویژگی بخشی به مسکن روستایی می‌شود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

- سابقه اسکان و برپایی سکونتگاه
- مناسبات و روابط اجتماعی- اقتصادی
- شیوه زندگی (معیشت) و نوع فعالیت غالب

⁷- Rural Dwelling(House)

- نوع و شکل خانواده‌ها و خانوارها

- سنت‌های ساخت‌وساز و دسترسی به مواد و مصالح

- امنیت و ضرورت حفاظت و دفاع

- ارتباطات و دامنه روابط بیرونی سکونتگاه.

به‌این‌ترتیب، شکل، الگو و عملکرد مسکن روستایی نمایانگر نحوه تعامل عوامل محیطی - بوم‌شناختی، مناسبات اجتماعی - اقتصادی، مجموعه تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و روندهای مکانی - فضایی در بستر زمان است (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷: ۷۴۵).

۳-۱- رویکرد «پوش ساختاری- کارکردی» و مسکن معیشت محور روستایی

با عنایت به «پیوستگی ساختاری-کارکردی» نظام‌های مکانی - فضایی، می‌توان انتظار داشت تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظام‌وار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه‌ی تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۳). مسکن روستایی به‌طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی - معیشتی گروه‌های روستایی به‌شمار می‌رود و الگو و کارکردهای آن در پیوند با عرصه‌های مکانی - فضایی، به مثابه‌ی دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا (سعیدی، ۱۳۸۷: ۷۴۵). مسکن به مثابه جزیی از نظام فضایی روستا از ویژگی‌های خاص ساختاری- کارکردی برخوردار است. این پدیده در دهه‌های اخیر به سبب عوامل گوناگون طبیعی و انسانی، در معرض دگرگونی قرار گرفته است این دگرگونی‌ها در پاره‌ای موارد زمینه ساز ایجاد نوعی دوگانگی بین مسکن و فعالیت‌های بنیادین (اقتصادی) خانوارهای روستایی شده است. قانونمندی «پوش ساختاری- کارکردی» حاکی از این واقعیت آشکار است که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیت‌ها و روابط را هم فراهم می‌آورد. (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷).

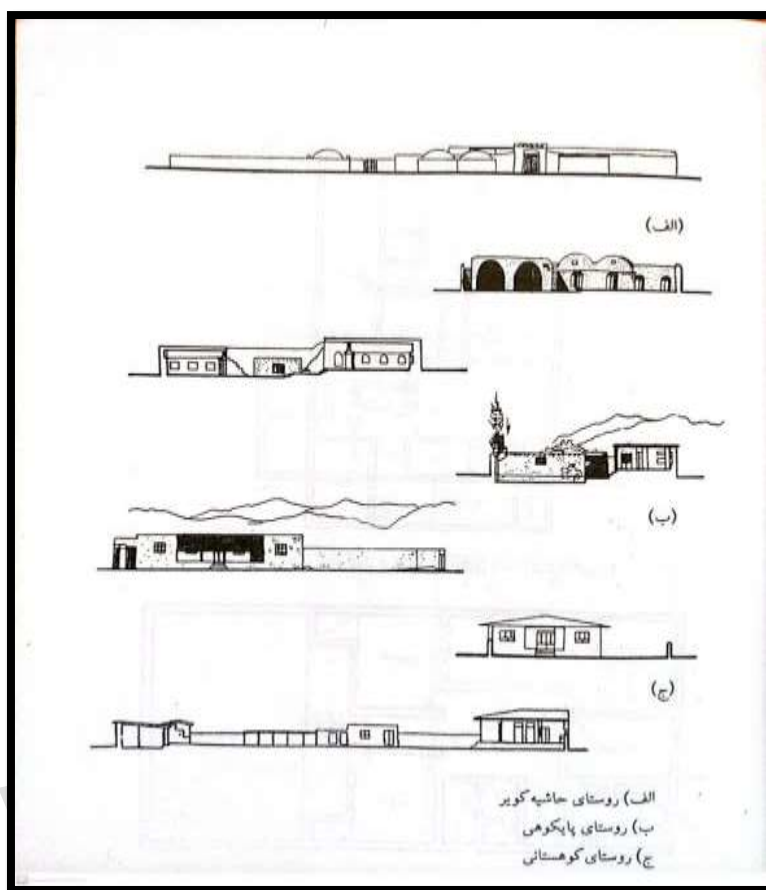
۳-۲- انواع مسکن روستایی

مسکن روستایی انواع مختلفی دارد: کلبه، چادر و خانه. کلبه و چادر از انواع ساده مسکن روستایی است که اغلب برای سکونت فصلی برپا می‌شود. هنوز در بین برخی جوامع ساده، کلبه‌های بزرگ جمعی و اشتراکی رواج دارد. باید توجه داشت که این الگوی مسکن گاهی در بین مردمانی که یکجانشین هستند و فعالیت غالب آن‌ها کشت و ورز است نیز دیده می‌شود. کپرهای مورد استفاده ساکنان برخی روستاهای بشاگرد در ایران، از این نوع مسکن بشمار می‌رود.

خانه، برخلاف کلبه و چادر، واحد مسکونی دائمی در محیط‌های روستایی است که به‌طور متعارف، با استفاده از مصالح نسبتاً پایدار ساخته می‌شود و با نماهای مختلف خود، واحدی برای زیست و فعالیت خانوارهای روستایی بشمار می‌آید. گروه‌های اجتماعی ساکن در روستا قاعدتاً دارای خانه‌های خاص با فضا بندی معین و سازگار با جایگاه اجتماعی و فعالیت اقتصادی خود هستند. خانه‌های مالکان بزرگ روستا که معمولاً خانه اربابی خوانده می‌شود، نسبت به سایر واحدهای مسکونی روستا دارای طرح و الگوی متمایزی است. در مقابل، خانه‌های کارگران زراعی خوش‌نشینان و لایه‌های بی‌بضاعت بسیار ساده و محقر است. این گونه واحدها معمولاً اجزاء و فضاهای جنبی کوچک

و ناچیزی دارند و یا اصولاً فاقد فضاهای جنبی هستند. خانه‌های لایه‌های میانی در روستا، بر مبنای جایگاه اجتماعی - اقتصادی آنان که عمدتاً به میزان دسترسی به عوامل اصلی تولید، یعنی آب و زمین و نیز درجه استقلال آن‌ها در فعالیت‌های تولیدی بستگی دارد، شکل‌های متنوع و متفاوتی دارد. می‌توان گفت، علاوه بر ویژگی‌ها محیط طبیعی، شکل و الگوی خانه‌های روستایی به نحوی آشکار، بازتاب روابط کالبدی- فضایی، مناسبات اجتماعی - اقتصادی و تأثیرات فرهنگی در گذشته و حال است که روند آتی آن را نیز به نمایش می‌گذارد. (شکل ۳).

شکل ۳- نما و ساختار مسکن روستایی ایران با توجه به محیط طبیعی و مصالح



مأخذ: سعیدی، ۱۳۸۸: ۷۹

مسکن روستایی از جنبه‌های گوناگون با مسکن شهری متفاوت است. مهم‌ترین این جنبه‌ها به الگو و کارکردهای خانه روستایی در مقابل مسکن شهری مربوط می‌شود. خانه‌های روستایی، برخلاف خانه‌های شهری که عمدتاً کارکردهای زیستی دارند، دارای طیف گسترده‌ای از کارکردهای گوناگون هستند. این خانه‌ها برای ساکنان روستایی خود فضاهای لازم را برای زندگی، کار و فعالیت انبار کالا و آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و مبادله اطلاعات، اجرای مراسم و مانند آن مهیا می‌سازند. به این ترتیب، کارکردهای مختلف خانه‌های روستایی، به‌طور کلی، به ۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از:

- کارکردهای زیستی

- کارکردهای اقتصادی (معیشتی - تولیدی)

- کارکردهای تدارکاتی

هریک از این کارکردها، عرصه‌ها و فضاهای خاصی را به خود اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که در همه موارد، کارکرد فضاهای گوناگون واحدهای مسکونی روستایی به طور کامل از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. به عنوان مثال، ممکن است در اتاق نشیمن که کارکرد اصلی آن زیستی است، فعالیت تولیدی، مثلاً قالیبافی نیز به انجام رسد که کارکرد این فضا در این صورت، زیستی - اقتصادی خواهد بود.

همچنین فضاهای موجود در مسکن روستایی را می‌توان به سه دسته به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- فضاهای زیستی

۲- فضاهای مشترک زیستی - معیشتی

۳- فضاهای معیشتی

به طور کلی، مهم‌ترین جنبه‌هایی که در بررسی خانه‌های روستایی مورد توجه و تأکید قرار دارند، عبارت‌اند از:

- وسعت کلی بنا و شکل و اندازه فضاهای آزاد (مانند فضای حیاط، باغچه و مانند آن)

- شیوه ساخت و ارتباط الگو و مصالح با محیط بومی و محلی

- وسعت و فضابندی بر اساس موارد مختلف کاربری

- نحوه ارتباط فضاهای مختلف باز و بسته

- تعداد اتاق‌ها و کارکردهای آن‌ها؛ و ارتفاع با تعداد طبقات بنا

- نحوه قرارگیری بنا و وضعیت آن نسبت به فضاهای عمومی (مانند شبکه معابر، میدان و مانند آن)

باید توجه نمود که الگوی خانه‌های روستایی تجلی نیروها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن‌هاست و از طریق بررسی ویژگی‌های خانه‌های روستایی می‌توان به روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین به ارزش‌های فرهنگی و سنن و آداب در زمان برپایی آنها وی نیز چگونگی توسعه و گسترش روستاها پی برد؛ بنابراین نحوه ساخت خانه‌های روستایی تا حد زیادی به طبقه‌بندی روستاها بر اساس گروه‌های اجتماعی و تعیین قدمت و تاریخ تکوین آنها کمک می‌کند. این خانه‌ها برای سکنه خود فضای لازم را برای کار و زندگی، انبار کالا و آذوقه؛ نگهداری دام، ارتباط و تبادل نظر، اجرای مراسم مذهبی و غیره مهیا می‌سازد. (سعیدی، ۱۳۸۸: ۷۵).

۶- بحث و ارائه یافته‌ها

تفسیر اطلاعات مراحل مختلفی را در برمی‌گیرد؛ در ابتدا مصاحبه‌های اولیه و خام تبدیل به متن شدند. سپس مصاحبه‌های اولیه به گفته‌هایی که واحدهای معنایی را ارائه می‌کردند تقسیم شدند. پس از آن، با کدگذاری باز از گفته‌ها کدهای مفهومی شناسایی و بر اساس تشابه معنایی دسته‌بندی شدند و درون مایه‌ها را شکل دادند. در مرحله بعد، این درون مایه‌ها به یک توصیف کلی از تجربه واقعی برگردانده شدند. سرانجام تحلیل‌ها با توصیفی از ساختار اساسی با ماهیت تجربه خاتمه یافت.

برای سازمان دادن اطلاعات، از مفاهیم نظری (پویش ساختاری-کارکردی) و تجربی (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹؛ سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قاسمی و کلانتری، ۱۴۰۱) استفاده شد. پنج درون مایه اصلی «سوانح و مخاطرات طبیعی»، «مهاجرت های روستایی-شهری»، «عوامل نهادی-مدیریتی»، «شهرگرایی»، «تغییر در نوع معیشت و سبک زندگی» استخراج شد. هر یک از این درون مایه های اصلی دربرگیرنده ی درون مایه های فرعی تر بودند که تعدادی از آنها با چارچوب مفهومی پوشش داده شد و تعدادی نیز توسط نگارندگان نام گذاری شدند که مربوط به تجربه ی جامعه مورد مطالعه بودند. در مجموع پدیدارشناسی روستاییان از تحولات مسکن معیشت محور به پنج درون مایه اصلی ذکر شده انتزاع یافت. در نهایت، کدگذاری محوری به یک درون مایه محوری با عنوان «تحولات ساختاری-کارکردی مسکن معیشت محور» منتهی شد که کل یافته های تحقیق را در برمی گیرد.

جدول ۲- درون مایه های اصلی و فرعی تحقیق

درون مایه ی مرکزی	درون مایه های اصلی	درون مایه های فرعی
تحولات ساختاری-کارکردی مسکن معیشت محور روستایی	سوانح و مخاطرات طبیعی	وقوع زلزله ۱،۶ ریشتری در سال ۱۳۸۵، خشکسالی های سال های گذشته
	مهاجرت های روستایی-شهری	افزایش مهاجرت روستاییان به دلیل مسائل و مشکلات اقتصادی، افزایش مهاجرت جوانان به دلیل بیکاری، کاهش جمعیت روستا و نیروی کار، افزایش سن نیروی کار
	عوامل نهادی - مدیریتی	اجرای طرح هادی روستایی، عدم حمایت دولت از مشاغل خانگی روستایی، اعطای تسهیلات بانکی (وام زلزله)
	شهرگرایی	بهبود وضعیت شبکه های ارتباطی (جاده) روستا، فاصله نزدیک به دو شهر بروجرد و اشترینان، الگوبرداری از معماری مسکن شهری، کاهش استفاده از مصالح بومی، ایجاد فضای جدید در مسکن روستایی
	تغییر در نوع معیشت و سبک زندگی	بازدهی کم فعالیت های معیشت محور در مسکن، کاهش فعالیت های دامداری، کاهش فعالیت کشاورزی و باغداری، افزایش مصرف گرایی به جای تولید گرایی

ماخذ: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹.

۱-۶. سوانح و مخاطرات طبیعی

مخاطرات طبیعی با انواع گوناگون و گستره ی نفوذشان به عنوان پدیده های تکرار شدنی و مخرب، همواره در طول دوران حیات کره زمین وجود داشته و پس از پیدایش بشر نیز همیشه خطر جدی برای انسان ها بوده است. برای این اساس می توان اذعان داشت که هیچ جامعه ای ادعای مصونیت از مخاطرات طبیعی را ندارد و انسان ها همواره با تاثیرات ذهنی و عینی زیان بار مخاطرات طبیعی مواجه اند (پورطاهری، ۱۳۹۶: ۲۹۱). انسان در طول تاریخ همواره با زلزله به عنوان سانحه ای طبیعی مواجه بوده و زیان های اجتماعی و اقتصادی فراوانی را بر اثر آن متحمل شده است. وقتی زلزله در مناطق روستایی اتفاق می افتد، آثار جبران ناپذیری را به لحاظ محیطی، اجتماعی و اقتصادی بر جای

می گذارد. در این جوامع فعالیت های تولیدی مرتبط با آنها به دلیل ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی و نیز داشتن توانایی محدود، بیشتر در معرض نیروهای مخرب طبیعی از جمله زلزله قرار داشته اند (همان منبع). زلزله مهمترین خطر طبیعی است که در طول تاریخ خسارات بسیاری به ویژه بر عرصه های روستایی کشور وارد ساخته است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۲۰). این موضوع نیز بعد از زلزله ی سال ۱۳۸۵ در شهرستان بروجرد و توزیع اعتبارات و وام های بلاعوض توسط بنیاد مسکن جهت نوسازی و بهسازی مساکن روستایی مطرح بوده است و موجبات دگرذیسی ساختار و کارکرد بسیاری از مساکن روستایی را فراهم کرده است. اعطای تسهیلات بانکی (وام زلزله) برای ساخت و ساز مسکن جدید بدون کار کارشناسی مرتبط با وجوه تاریخی روستای شهید بروجردی نیز به نظر می رسد در تحولات مسکن معیشت محور روستاییان بی تأثیر نبوده است. همچنین بسیاری از روستاییان تأثیر وام زلزله بر کارکردهای مسکن را رعایت برخی ضوابط و محدودیت های مربوط به اعتبارات می دانند که موجب تحولات و دگرگونی هایی در عملکرد فضاهای مسکن شده است. چرا که وام مسکن با قوانین و ضوابط مربوط به خود باعث شده که در این روستا مساکن با الگوی شهری ساخته شوند؛ و در نتیجه بعضی از فضاها کارکرد جدیدی به خود گرفته و برخی از فضاها کارکرد خود را از دست داده و متروک شده اند. به طوری که به مرور زمینه تخریب تمامی یا بخشی از واحدهای مسکونی از جمله فضاهای معیشتی را فراهم آورده اند. همچنین طبق مصاحبه با دهیار و اعضای شورای روستا کاهش ریزش های جوی و خشکسالی های اخیر باعث ناپایداری در جمعیت و اقتصاد روستاهای شهید محمد بروجردی شده است.

یکی از مصاحبه شوندگان در این مورد می گوید؛ «به رئیس بنیاد مسکن گفتم اجازه بدهید یک گاراژ و انبار در خانه احداث کنیم، تراکتور و دامم از خودم هم عزیز تر هستند چون اگر اینها نباشند ما زندگی نداریم ولی حمایت نکردند و گفتند باید باد گیر در مسکن جدید احداث کنید به جای گاراژ».

مصاحبه شونده دیگری می گویند؛ «به دلیل کم آبی در روستای ما فعالیت های تولیدی هم در روستا و هم در خانه هایمان نسبت به گذشته کمتر شده است».

۲-۶. مهاجرت های روستایی - شهری

مهاجرت در ایران به مفهوم امروزی و با ابعاد کنونی به آرامی از دوره پهلوی اول آغاز گردید. این دوران مصادف با رشد و گسترش روابط سرمایه داری و مدرنیزاسیون، همگام با افزایش قیمت نفت در اقتصاد سیاسی ایران بود و در این دوره خط مشی های حکومت در تخته قاپوی عشایر کوچنده تأثیراتی در بر داشته است. در دوره پهلوی دوم، همزمان با تحولات سریع صنعتی کشور، اصلاحات ارضی روندهای جابجایی جمعیت را هر چه بیشتر تقویت کرد. آزاد شدن یا کنده شده نیروی کار از زمین و رواج مبادله نقدی در بین روستاییان و رواج و بسط بازار مصرف و الگوی جدید مصرف در روستا، در پویش مهاجرت روستاییان به شهر بسیار موثر بوده است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۵) و امروزه نیز این روند همچنان ادامه دارد. به طور کلی علاوه بر مهاجرت های روستایی، تخلیه کامل جمعیت روستاها نیز چه با از بین رفتن فعالیت های اقتصادی موجود در آنها و چه به صورت تداوم فعالیت های اقتصادی پس از تخلیه جمعیت دائم، از جمله مسائل موجود در عرصه های روستایی کشور است که آثار و پیامدهای نامطلوبی در زمینه های مختلف به وجود آورده است (رضوانی، ۱۳۹۰: ۱۹).

یکی از مصاحبه شوندگان درباره مهاجرت می گوید: «فضاهای معیشتی خانه های روستایی از گذشته تا کنون به دلیل مهاجرت و به صرفه نبودن فعالیت های اقتصادی کمتر شده است به عنوان مثال ما در گذشته ۱۰۰ تا گوسفند داشتیم ولی الان ۵۰ تا داریم».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان همچنین اعتقاد دارد: «فعالیت های اقتصادی که در خانه روستاییان انجام می شود (دامداری) فقط بخور و نمیر است».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان در ارتباط با مهاجرت جوانان می گوید: «جوانان روستا به دلیل ادامه تحصیل و بیکاری از اینجا رفته اند و فقط افراد سالمند در روستا کار و زندگی می کنند».

۳-۶. عوامل نهادی - مدیریتی

طبق مصاحبه با دهیار محترم روستا آقای گودرزی با اجرای طرح هادی، در روستا کارکردهای تازه ای ایجاد شده است و برخی از اراضی کشاورزی به زیستی تغییر کاربری یافته اند. همچنین ایشان معتقدن، طرح هادی روستایی معیشت محور نیست و نمی تواند نیازهای روستاییان را تضمین کند و بهتر است در این گونه طرح ها به موقعیت جغرافیایی، سبک زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم محلی توجه شود. از نظر ایشان تقسیم اراضی و مسکن از طریق قانون ارث در این روستا موجب شده است تا سطح تولید و به دنبال آن فعالیت های معیشتی خانوار روستایی پایین آید، بنابراین این مساله برنامه ریزی در زمینه مسکن معیشت محور را تحت تاثیر قرار می دهد. به طور کلی جریانات و روابط نهادی - مدیریتی روستای شهید محمد بروجردی از جریانات تمرکزگرایانه ی شهر بروجرد نشأت می گیرد. تصمیمات جهاد کشاورزی، فرمانداری، بخشداری و بنیاد مسکن به عنوان نمونه ای از جریانات و روابط یکسویه و از بالا به پایین است. حمایت از مشاغل خانگی روستایی، مجوز کسب واحدهای تجاری، مجوز ساخت و ساز مسکن، توزیع وام زلزله، مجوز تاسیس کارگاه و کارخانه جزء مواردی هستند که بر کالبد و تبع آن مسکن معیشت محور اثر مستقیم دارند ولی جزء عوامل برونزا و نهادی - مدیریتی محسوب می گردد.

یکی از مصاحبه شوندگان درباره تأثیر حمایت دولت می گوید: «اگر دولت حمایت کند مشاغل خانگی در روستای ما افزایش پیدا می کند و کسی از روستای ما مهاجرت نمی کند».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان درباره تأثیر حمایت دولت می گوید: «وام هایی که دولت می دهد جواب گو نیست، فقط حمایت دولت مهم است و باید نظارت کامل داشته باشند و نیمه کاره کار رو رها نکنن ما تا الان وام هایی که گرفتیم بسیار کم و ناچیز بوده است».

۴-۶. شهرگرایی

یکی از مهم ترین ساز و کارها در تغییر الگوی مسکن سنتی، گسترش شهر گرایی است. روستای شهید بروجردی با توجه به اینکه در فاصله کمی از شهرهای بروجرد و اشترینان قرار دارد (۹ کیلومتر)، تأثیر پذیری فراوانی از این شهرها داشته است. از دیدگاه جانستون شهر گرایی به معنای یک فرآیند رفتاری است. به صورتی که شهرها مراکز انتشار تغییرات و تحولات اجتماعی معرفی شده اند. از دیدگاه پاسیون، شهر گرایی روستایی از جنبه اجتماعی - سکونتی مطرح است که شیوه زندگی شهری در نواحی روستایی گسترش می یابد. در نتیجه تداوم نفوذ اقتصاد شهری، مظاهر

اجتماعی زندگی شهری نیز به مناطق روستایی راه می یابد و نوعی دوگانگی با ابعاد سنتی اجتماعی - اقتصادی در مناطق روستایی با طرح شهری ساخته می شوند. شهر گرایی تأثیرات کالبدی مانند بکار گیری نماهای شهری، استفاده از مصالح شهری و تغییر کارکردهای مسکن دارند. در این روستا با توجه به فاصله کم تا شهر تحولاتی متفاوتی در نتیجه شهرگرایی قابل مشاهده است. همچنین در حاضر استفاده از مصالح شهری در این نواحی به علت منسوخ شدن مصالح بومی و سنتی افزایش یافته است. به صورتی که روستاییان تأکید به جایگزینی این مصالح با مصالح بومی و سنتی کرده اند. یکی از متغیرهای تأثیرات شهر گرایی استفاده از طرح های مسکن شهری در مسکن روستایی است. در این ارتباط؛ روستاییان اعتقاد داشتند که مساکن کنونی روستایی با طرح شهری ساخته می شوند. همچنین روستاییان نظر به ایجاد فضاهای جدید در مساکن روستایی داشته اند.

یکی از مصاحبه شوندگان در مورد معماری خانه های روستایی می گوید: «در روستای ما معماری و شکل مساکن در حال تغییر است، همه می خواهند خانه ی چند طبقه داشته باشند».

یکی دیگر از مصاحبه شوندگان درباره فضای خانه های روستایی می گوید: «در خانه های روستای ما دیگر فضاهای سنتی همانند طویله ، هیزم دان، انبارها و کارگاه ها ساخته نمی شود همه می خواهند در خانه هایشان ماهواره، پارکینگ و آشپزخانه اوپن داشته باشند».

به طور کلی شهری شدن به مثابه نوعی ارزش بر روستا حاکم شده است و الگوبرداری از خانه های شهری به دلیل نفوذ و گسترش فرهنگ شهری مرسوم می شود. استفاده از مصالح وارداتی شهری سبب تغییرات کالبدی خانه های روستایی شده اند و مجموع این عوامل باعث پاره ای تغییرات در ساختار مسکن معیشت محور شده است. امروزه مسکن جدید نوعی از تقلیل عملکردی به سطح حداقل ممکن در روستا یعنی صرف سکونت را به خود می بیند. حذف فضاهایی چون هیزم دان، محل نگهداری حیوانات، انبارها و کارگاه ها از این نوعند. در عوض مسکن جدید متناسب با نیازهای جدید تغییراتی را پذیرفته است. اجرای سقف شیروانی، پارکینگ اتومبیل و.. از این قبیل تغییرات هستند. کاهش میزان استفاده از ریزه کاری ها و تزیینات همچون طاق نماها، گچ بری ها و حذف آرایه هایی نظیر طاقچه و رف، تقلیل ریزه کاری در خطوط نما و خط آسمان ابنیه از ابنیه سنتی - محلی به سبک ساختمان سازی جدید در روستا مشهود است. در مسکن سنتی به منظور حفظ حریمیت فضای اندرونی منزل از تعبیه دالان ورودی، چرخش فضایی و یا استفاده از هشتی، استفاده شده است در حالی که در نمونه های جدید بدون حضور این لایه های فضایی؛ نوعی یک مرتبگی در اتصال معبر به فضای خصوصی منزل دیده می شود.

شکل ۶- معماری درونی و بیرونی مسکن روستایی متأثر از الگوی شهری





ماخذ: نگارندگان

۵-۶. تغییر در نوع معیشت و سبک زندگی

طی دهه های اخیر با ورود مدرنیزاسیون و همگام با اجرای گفتمان و طرح های نوسازی در ادبیات توسعه ی ایران، تحول خواهی روستاییان و تلاش برای بهبود محیط زندگی، روستاها از فضای سنتی و کالبد قدیمی خود خارج و به سرعت پذیرای دگرگونی ها شدند. از این رو می بایست فضای روستاها به ویژه کالبد، بدنه و شکل مسکن و منازل روستاییان به منظور هماهنگ شدن با وضعیت اقتصادی - اجتماعی پیش آمده در تبعیت از گسترش استفاده از تکنولوژی های نوین به منظور جواب گویی به نیاز ساکنان این سکونتگاه ها و همچنین فراهم نمودن زمینه های رشد و توسعه تغییر یابند. متأسفانه گاهی این تحولات و دگرگونی های کالبدی در روستاها همخوانی چندانی با فرهنگ و نوع اقتصاد حاکم بر این کانونهای سکونتگاهی ندارد و این تحولات ضمن ایجاد ناسازگاری های اقتصادی - اجتماعی در روستاها موجب تغییر در کارکرد این فضاهای زیستی شده است؛ زیرا زندگی، شغل، اقتصاد، فرهنگ، رفتار و نوع معیشت حاکم بر روستاها به ویژه در کشورهای جهان سوم که دارای ساختار سنتی و قدیمی هستند، هماهنگی و تجانس فراوانی با یکدیگر دارند. حال با تغییر و به هم ریختن نظم فضایی موجود در روستاها که حاصل شکل گیری در طی قرن ها است، دیگر ارکان روستا از جمله: کارکردهای اقتصادی - معیشتی و فرهنگی آن نیز متحول و دچار ناهماهنگی می شوند. به گونه ای که در نظام زندگی روستایی اشتغال، شیوه معیشت و نوع سکونت تداخل گسترده ای با هم دارند. اصولاً زندگی روستایی برخلاف زندگی شهری براساس تفکیک زمانی فعالیت ها سازمان نیافته است و سکونت و کار زمانهای متداخلی دارند. به همین دلیل فضاهای سکونت و کار نیز تداخل دارند و محیط مسکن محل نگهداری محصولات و وسایل و ادوات تولید نیز است و بخشی از کار در منزل انجام می شود. در حال حاضر ناپایداری سبک زندگی روستایی باعث گذار مسکن روستایی شده است.

یکی از مصاحبه شوندگان درباره فعالیت های روستاییان می گوید: «فضاها و فعالیت های قالبیابی به مرور در روستای ما کمتر شده است و اگر کسی هم فعالیت قالبیابی انجام می دهد به خاطر پرداخت حق بیمه است». یکی دیگر از مصاحبه شوندگان درباره تغییر معیشت روستاییان می گوید: «کسی در روستای ما دیگر از این کارها انجام نمی دهد، همه می خواهند وام بگیرند و برای رفت و آمد به شهر بروجرد و اشرینان ماشین بخرند».

۷- نتیجه گیری

الگوی مسکن معیشت محور در روستای مورد مطالعه شامل اجزاء و عناصر تشکیل دهنده واحد مسکونی و چگونگی قرار گرفتن آنها نسبت به یکدیگر در یک فرم تداوم دار و بر مبنای نیازهای خانوارهای روستایی است. بر اساس

شواهد و مطالعات صورت گرفته در مورد مسکن و معماری روستایی، واحدهای مسکونی سنتی روستایی ضمن برخورداری از ارزش های معماری همانند سادگی و پیرایگی، الگوهای بصری و زیبایی شناختی و انطباق با محیط طبیعی، هماهنگی با عملکرد زیستی و معیشتی و استفاده از مصالح محلی و دانش بومی و ... که به آن هویت خاصی می دهد را دارد. مسکن معیشت محور در روستای مورد مطالعه به لحاظ ماهیت کارکردی و پاسخگویی به نیازهای انسانی، فعالیت های مردمی، عناصر تولیدی و محیط زیست، مجموع های همگن و متشکل با هویت کالبدی خاص را تشکیل می دهد که تجلی کننده ارتباطات و کارکردها و نقش چند عملکردی فضاهاست. این هویت، از نفس سکونت و شیوه زیست در روستا نشأت می گیرد. با توجه به مصاحبه های انجام شده با روستاییان و دهیار، در گذشته به تبعیت از وضعیت اقتصادی و رده بندی اجتماعی ساکنان روستا، مسکن روستایی در ابعاد و اندازه های متفاوتی ساخته می شدند اما امروزه با فرو ریختن رده بندی های اجتماعی^۸ در روستاها و گسترش ارتباطات روستاییان با دیگر نقاط سکونتگاهی، هر فرد روستایی بنا بر میل و خواست خود خانه اش را بدون در نظر گرفتن پایگاه اقتصادی در روستا بنا می کند. همچنین از نظر روستاییان انجام برخی فعالیت ها همچون تهیه مواد لبنی، نگهداری دام و طیور، وجود انبار علوفه و مواد غذایی، ساخت و تعمیر ابزارآلات برای فعالیت های تولیدی که به عنوان شاخص هایی برای کارکرد مسکن معیشت محور به شمار می رود تحت تاثیر عامل سرمایه های مادی می باشند. چرا که در صورت عدم وجود دام های کوچک و بزرگ، وجود کارکردهای خاصی مثل وجود انبار علوفه، طویله و غیره در مسکن لزومی ندارد. همچنین آنها دلیل تاثیر اعتبارات بر کارکردهای مسکن را رعایت برخی ضوابط و محدودیت های مربوط به اعتبارات می دانند که موجب تحولات و دگرگونی هایی در عملکرد فضاها می شود. چرا که اعتبارات مسکن با قوانین و ضوابط مربوط به خود باعث شده که در این روستا مسکن با الگوی شهری ساخته شوند؛ و در نتیجه بعضی از فضاها کارکرد جدیدی به خود گرفته و برخی از فضاها کارکرد خود را از دست داده و متروک شده اند. به طوری که به مرور زمینه تخریب تمامی یا بخشی از واحدهای مسکونی را فراهم آورده اند. در نتیجه آنها معتقد هستند عدم حمایت دولت و عدم توجه به ویژگی ها و ساختارها و عملکردهای موجود در مسکن، در آینده موجب تحولات منفی شدیدی خواهد شد. در زمینه آینده ی مسکن معیشت محور و توسعه کسب و کارهای خانگی در این روستا نیاز به آموزش برای ایجاد و توسعه مشاغل خانگی کاملاً ملموس می باشد، چرا که در اکثر کسب و کارها توانایی افراد نسبت به پتانسیل روستا کمتر بوده، با آموزش های ساده و دوره های کوتاه مدت، با تأمین اعتبارات به صورت کمک های بلاعوض و یا وام های که دولت جهت تأمین اعتبار برای کسب و کارهای زود بازده در نظر دارد، تسهیل شرایط این وام ها (چرا که ساکنین روستا توان ضمانت های بانکی را ندارند)، تشکیل گروه های سازمان یافته در روستا تا به راهنمایی مردم جهت ایجاد این کسب و کارها بپردازند، می توان، توان افراد را به منظور راه اندازی یک شغل خانگی و معیشت محور کردن مسکن خود بالا برد. اصلاح بخش مشاغل خانگی با آموزش روستاییان به رعایت اندازه های فنی - اقتصادی واحدهای تولیدی متناسب با نوع فعالیت و شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی کشور و تاکید بر جهت گیری حمایتی دولت از

۸ - در یک رده بندی کلی اقشار روستایی به قشر بالا (ارباب)، قشر متوسط یا دهقانان کم و بیش مستقل و بلاخره قشر پایین شامل کارگران زراعی و خوش نشینان تقسیم می شوند (سعیدی، ۱۳۸۸: ۸۳).

۹ - این موضوع بعد از زلزله سال ۱۳۸۵ و توزیع اعتبارات و وام های بلا عوض توسط بنیاد مسکن، بر دگر دیسی ساختار و کارکرد برخی از مسکن این روستا موثر بوده است.

این سیاست‌ها به ویژه در واگذاری وام‌های حمایتی امکان پذیر می‌باشد.^۱ نوسازی نظام مشاغل خانگی بر مبنای دانش نوین و بومی سازی فناوری‌های روز، تربیت، حفظ و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز، توسعه و تقویت تعاونی‌ها و سایر تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی، صنفی و تخصصی با مشارکت اتحاد جامعه و رقابتی نمودن فعالیت‌ها در این بخش به پیشرفت این مشاغل کمک شایانی می‌کند. گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد انگیزه برای جذب و توسعه سرمایه‌گذاری در این بخش با پوشش مناسب بیمه، کاهش احتمال زیان تولید، اجرای سیاست‌های حمایتی و متعادل کردن سطح سودآوری مشاغل خانگی با سایر بخش‌های اقتصادی، تخصیص یارانه‌های هدفمند به بخش صنایع کوچک و مشاغل خانگی، حمایت از ساخت زیربنای، قابلیت انعطاف در شرایط محیطی مختلف و ارتقاء قدرت رقابت در بازارهای داخلی و همچنین برگزاری دوره‌های کوتاه مدت ترویجی و کلاس‌های فنی و حرفه‌ای از دیگر فعالیت‌هایی است که مسئولان در جهت راه‌اندازی هر چه بهتر این مشاغل انجام دهند. شناساندن ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بومی منطقه به مردم و به خصوص واقع بینانه نمودن نگاه آنها به پتانسیل‌های تنوع تولید در مسکن با مشاوره تخصصی (از طریق دفاتر مشاوره اشتغال و کارآفرینی) می‌تواند عاملی جهت جهت دادن به تلاش روستاییان برای تنوع تولید در غالب مشاغل خانگی باشد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش عبدالهی و دیگران (۱۳۹۴) در بعد تأثیرپذیری مسکن از عوامل فرهنگی و اجتماعی، یافته‌های زرگر و حاتمی خانقاهی (۱۳۹۳) در زمینه وجوه مؤثر بر مسکن و نیز نتایج پژوهش سرتیپی پور (۱۳۸۴) و مهدیان و سرتیپی پور (۱۳۹۱) در مورد شرایط علی تحولات مسکن روستایی و معیشت زدایی از مسکن روستایی هماهنگ است. با این وجود مطالعات فوق مجموعه عوامل ساختاری و عاملیتی را در پیوند با هم و به صورت یکپارچه مورد تحلیل قرار نداده‌اند.

۸- منابع و مآخذ

- اسلامی، لیلا، محمدی یگانه، بهروز، چراغی، مهدی. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر تحولات مسکن معیشت محور در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان. مسکن و محیط روستا؛ ۳۸.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۹۶). طراحی روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- تبریزی، جلال. (۱۳۹۰). مکان و حس لامکانی، تهران، ناشر مترجم.
- دانشنامه مدیریت شهری و روستایی (۱۳۸۷). تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- رحمانی، بیژن، سعیدی راد، مجید، جلالی، مهسا. (۱۳۹۵). تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر اشترینان. فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس. 171-147, 8(28).
- رضوانی، محمد رضا (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران، نشر قومس.
- زرگر، اکبر (۱۳۹۰). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- زرگر، اکبر، حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، ۱۴۸، ۶۲-۴۵.
- سعیدی، عباس. (۱۳۹۰). پویای ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی. جغرافیا، ۲۹(۹)، ۱۶-۷.
- سعیدی، عباس، و امینی، فریبا. (۱۳۸۹). ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی (مورد: روستا خفر (ناحیه نظنز - بادرود)). جغرافیا، 27(8), 43-29.
- سعیدی، عباس (۱۳۸۸). مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.

- سعیدی، عباس، تالشی، مصطفی، رابط، علیرضا. (۱۳۹۲). نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری- کارکردی خانه‌های روستایی جغرافیا (فصلنامه علمی انجمن جغرافیایی ایران) ۱۱، (۳۲)، صص ۳۲-۵.
- سعیدی، عباس، حسینی حاصل، صدیقه. (۱۳۸۸). شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید، تهران، انتشارات بنیاد مسکن
- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران، نشریه هنرهای زیبا، ۲۲ (۴۳)، ۴۳-۵۲.
- عبدالهی، سمیه، بوذرجمهری، خدیجه و سلطانی، ریحانه. (۱۳۹۴). اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستایان، مطالعه موردی: شهرستان نکا، فصلنامه اقتصاد و توسعه روستایی، ۲ (۵)، ۲۱-۴۲.
- قاسمی سیانی، محمد، افراخته، حسن، ریاحی، وحید، و عزیزپور، فرهاد. (۱۳۹۷). تبیین تحولات ساختاری-کارکردی سکونت و مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان). برنامه‌ریزی و توسعه کالبدی، ۳ (۲) (پیاپی ۱۰)، ۴۴-۴۷.
- قاسمی، ایرج، کلانتری، خلیل. (۱۴۰۱). نقش مسکن معیشت‌محور در تثبیت جمعیت روستایی. نشریه جغرافیا و توسعه- 43, 20(68), 61.
- قدیری معصوم، مجتبی، فرجی سبکیار، حسنعلی، چراغی، مهدی. (۱۳۹۸). جغرافیای جمعیت ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- محمد پور، احمد. (۱۳۸۹). فراروش (بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری)، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
- مهدیان، عزیزالله، سرتیپی پور، محسن. (۱۳۹۱). مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم انداز آتی. مسکن و محیط روستا، ۱۴۰ (۳۱)، ۳-۱۲.

-Delmas, P. M., & Giles, R. L. (2023). Qualitative research approaches and their application in education.

-Fatiha, P. (2019). Rural Dwellings of Bangladesh: A Manifestation of Culture and Climate. Earth USA.

-Giorgi, A., & Giorgi, B. (2003). Phenomenology. Sage Publications, Inc.

-Manlosa, A. O., Hanspach, J., Schultner, J., Dorresteyn, I., & Fischer, J. (2019). Livelihood strategies, capital assets, and food security in rural Southwest Ethiopia. *Food security*, 11, 167-181.

-Ngcobo, N. (2018). The impact of rural housing policy on the socio-economic status of households: a case study of Vulindlela rural housing project context (Doctoral dissertation).

-Orleans, M. (2015). Phenomenology in sociology. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)*, Pages 11-1

-Taghavi, Z. B., Rahbarimanesh, K., & Armaghan, M. (2021). Reflection of Economic Developments on the System of Livelihood and Spatial Activity of Rural Housing. *Space Ontology International Journal*, 10(2), 19-31. doi: 10.22094/soij.2021.1912334.1375.

Phenomenology of the factors affecting rural livelihood-based housing changes
Case study: Shahid Mohammad Borujerdi village of Boroujerd county

Abstract

Rural housing, as a symbol of how humans interact and relate to the natural environment around them, reflects the type of activities in economic dimensions and the socio-cultural attitude of villagers, the evolution and use of technology, and ultimately the income and livelihood levels of its residents. In other words, it is an economic, cultural, social, and physical phenomenon that has been established to provide suitable conditions for life, livelihood, and livelihood. One of the most important components that has changed in recent years during housing-related developments is the livelihood-oriented components of housing in rural areas. The change from livelihood-oriented housing to rural housing that has a purely residential function has negative effects on the rural economy. The present research has analyzed the factors affecting livelihood-based housing developments in the Shahid Mohammad Borujerdi village of Boroujerd county, using qualitative methods and interpretive phenomenology. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of nature and method. In terms of data collection, it is of a Mixed type and its philosophical foundation is based on the phenomenological approach. Since this research is of a qualitative field type; The Purposive sampling method has been used and the selection of samples has continued until the theoretical saturation stage. In this research, theoretical saturation was achieved after 1 in-depth interview (3 women and 6 men) and 2 group interviews (1 group interview with Mayor and members of the village Islamic council and 1 group discussion session with local people). The five main themes of "natural disasters and hazards", "rural-urban migrations", "institutional-management factors", "urbanism" and "changes in the type of livelihood and lifestyle" are among the most important factors affecting livelihood-based housing changes in the study area.

Key words: Livelihood-based housing, phenomenology, Shahid Borujerdi village, structural-functional changes